

# مفهوم دموکراسی و اتحاد مبارزان با محوریت دموکراسی

به نظر می‌رسد که در نتیجه تلاش چهل ساله مردم ایران برای رهایی از استبداد دینی، مدلول "سکولار دموکراسی" در میان مبارزان و مردم ایران کم و بیش جا افتاده و کم و کیف نظام آینده تا حدی روشن شده است. اما از آنجایی که وصول به دموکراسی واقعی برای تمام ملت‌های جهان خواست آسان‌یابی نبوده و نیست، و همواره گذرگاه دموکراسی پرسنگلاخ بوده و هست، حال که مردم ایران برای نجات از استبداد دینی و استقرار دموکراسی واقعی در کشور نیازمند هم‌فکری و هم‌گامی و اتحاد می‌باشند، بر سر راه‌شان مانع نوظهوری، تحت پوشش "رمز پیروزی: اتحاد" پیدا شده که به زعم مدافعانش نوعی از دموکراسی است که می‌تواند نظام سلطنتی خاندان پهلوی را هم در درون خود جای دهد، همچنان که در کشورهای انگلستان، هلند، سوئد، ژاپن و غیره برپا است. حال برای رسیدن به آزادی و دموکراسی واقعی به این قیاس مع‌الفارق و این روزه شک‌دار چه نیاز و لزومی هست، الله اعلم!

اینک پیش از اعلام نظر در باب دموکراسی، راجع به دو مطلب ذیل که گویا "سلطنت دموکراتیک مذکور" را توجیه می‌کند می‌پردازیم:

۱. "پادشاهی جزو هویت ماست." (آقای رضا تقی‌زاده و همفکرانش)

هویت دربرگیرنده عناصری است نظیر زبان، دین و مذهب، سنت و آداب؛ اما شاه‌دوستی و شاه‌پرستی را در آن جایی نیست. لذا این گفته، بی‌پایه و اساس و نادرست است.

۲. "سلطنت و پادشاه مظهر وحدت ملی ماست." (آقای رضا تقی‌زاده و همفکرانش)

"وحدت ملی" هیچ ربطی به سلطنت و پادشاه - بویژه پادشاه نمادین و بی‌مسئولیت - ندارد. وحدت ملی زمانی حاصل می‌شود که همه ساکنان درون مرزهای ایران "شهروندان ایرانی" محسوب شوند؛ شهروندانی که از کلیه حقوق دموکراتیک، و حقوق برابر برای مشارکت در امور دولت و نهادهای وابسته به آن و نیز از امتیازات اقتصادی برابر و عادلانه در جامعه برخوردار باشند. از اینرو وحدت ملی ثمره اجرای اصول دموکراسی در حق ساکنان کشور، از هر قوم و دین و مذهب و زبان و سن، است، نه حاصل حضور و وجود سلطنت و پادشاه.

گفتیم که "محوری‌ترین مسأله سیاسی امروزی مردم ایران دموکراسی است و سلطنت از جمیع جهات و به هر شکل و شمایلی که آراسته شده باشد، با دموکراسی در تضاد است." چرا؟

زیرا، دموکراسی دارای اصولی است از جمله: ۱ - زمامداران باید با آراء آزاد و دموکراتیک کلیه افراد مردم، برای مدت محدودی انتخاب شوند. ۲ - زمامداران برای جلوگیری از تمرکز قوای سیاسی، باید قوای دولت را بین سه سازمان مستقل ذیل تقسیم کنند و در کار آنها کوچک‌ترین دخالتی نکنند: قوه مقننه با مجلسی مرکب از نمایندگان واقعی مردم، قوه قضائیه و قوه مجریه. ۳ - قدرت زمامداران همیشه باید توسط مردم محدود شود. یعنی مردم حق داشته باشند زمامداران خلاف کار را در هر مرتبه و مقامی معزول کنند.

اما، شاه یا سلطان انتخابی نیست و در تاریخ کشور ما همه پادشاهان یا به زور شمشیر به قدرت رسیده‌اند، یا به نحو موروثی. - سلطنت یا پادشاهی، مادام‌العمر است نه ادواری - سلطنت موروثی است و به مردم تحمیل می‌شود. - چنانچه پادشاه مرتکب جرم و خلاف شود مردم حق عزل او را ندارند. - در صورت فوت پادشاه، فردی از آن

خاندان فقط به این علت که به خاندان سلطنتی تعلق دارد، بدون اجازه و دخالت مردم، زمامدار می‌شود، که تبعیضی آشکار و خلاف اصول دموکراتیک است. گذشته از همه اینها، دو پادشاه خاندان پهلوی، در تمام دوران سلطنت‌شان قوای مقتنه و قضائیه را از محتوا تهی کرده قالب بی‌روح آنها را نگه داشته‌اند تا بتوانند قدرت را منحصراً در دست خود نگاه‌دارند.

گفته می‌شود در فراندوم آینده، پذیرش یا عدم پذیرش نظام سلطنتی خاندان پهلوی مشخص می‌شود. غافل از این که برای استقرار نظام دموکراسی، هیچ گزینه‌ی ضد دموکراسی - که سلطنت یکی از آنها است - در فراندوم مطرح نمی‌شود.

اگر مبارزان راه آزادی و دموکراسی در مسیر خود به دامی افتاده‌اند، باید آنها را از این دام نجات داد، نه اینکه دامی نو بر سر راهشان گسترده. ملت ما تجربه تلخ "همه با هم" و "وحدت کلمه" خمینی را هنوز فراموش نکرده‌اند؛ طبیعی است ملت با کسانی که به دنبال بازگرداندن نظام سلطنتی خاندان پهلوی هستند نتواند عهد اتحاد ببندد.

برو این دام بر مرغ دگر نه      که عنقا را بلند است آشیانه

در مورد آقای رضا پهلوی، ما گفته متین و درست جناب آقای دکتر منصور فرهنگ را می‌پذیریم و تکرار می‌کنیم: "رضا پهلوی اگر واقعاً می‌خواهد به مردم ایران خدمت کند و در مبارزه برای آزادی و دموکراسی یار و یاور آنها باشد، طی اطلاعیه‌ای اعلام نماید که من خواهان هیچ مقامی در ایران آینده نیستم، به نام یک ایرانی برای ملت و وطن خدمت می‌کنم و از هوادارانم می‌خواهم که مرا نه اعلیحضرت، نه شاه و نه شاهزاده خطاب نکنند و این حرف‌ها را جمع نموده و تکرار نکنند؛ و خود به عنوان یک ایرانی با آنهایی که واقعاً و از ته دل برای نجات ایران و ایرانی می‌کوشند، بدون هیچ ادعایی همکاری کند.

اما موقعی که با "رانت" پدربزرگ و پدرش، و با ارزش و اعتباری که از وجود و سلطنت آنها کسب شده به میدان می‌آید، باید منتظر باشد جنایات، خیانت‌ها و غارتگری‌های آنها را بشنود و صادقانه پاسخ بگوید. مردم ایران به مرکزیت قابل اعتماد اکثریت ملت نیازمندند، و اگر رضا پهلوی واقعاً هدف خدمت دارد، راهش ایجاد نفاق نیست - راهی که هم اکنون او می‌رود نفاق‌افکنی است."

گروه پیام رهائی

www.payamrahaee.net

editor@payamrahaee.net